

بررسی تاثیر سطوح مختلف نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و OECD

سیاوش جانی*

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۴

چکیده

با عنایت به اهمیت رشد اقتصادی، عوامل موثر بر رشد در مکاتب مختلف مورد توجه قرار گرفته است و در این خصوص مکتب نهادگرایی، رفع موانع نهادی به منظور تسریع در رشد اقتصادی را مورد تاکید قرار داده است. براساس ادبیات اقتصاد نهادگرایی دو سطح از نهادها بر عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذارند. سطح اول شامل نهادهای کلان هستند که دولت و دیگر بازیگران قدرتمند را تحت تاثیر قرار می‌دهند و سطح دوم نهادهای خرد را در بر می‌گیرد که با کاهش هزینه‌های معاملات، فضای کسب و کار را تسهیل می‌کنند.

مطابق تئوری نهادگرایی، فضای نهادی خرد متاثر از فضای نهادی کلان بوده و در این خصوص برخی بررسی‌ها نشان می‌دهند که نوع رابطه بین نهادهای خرد و کلان در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌تواند متفاوت باشد. براین اساس در مطالعه حاضر تاثیر عوامل نهادی مختلف بر رشد اقتصادی و تعیین اولویت اصلاحات نهادی در کشورهای جنوب غرب آسیا براساس تئوری نهادگرایی و در مقایسه با کشورهای OECD طی دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۷) مد نظر قرار گرفت.

در این مطالعه براساس ویژگی نهادهای کلان و خرد، از شاخص‌های حکمرانی خوب برای سنجش سطح نهادی کلان و از شاخص‌های سهولت فضای کسب و کار برای سنجش سطح نهادی خرد استفاده شده است. همچنین محاسبه رشد براساس تولید ناخالص سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱ می‌باشد.

به منظور بررسی رابطه بین رشد و شاخص‌های نهادی ابتدا الگویی در قالب تئوری نهادگرایی تعریف و از طریق داده‌های پانلی پویا با رویکرد سیستمی GMM برآورد گردید. در ادامه به منظور پی بردن به اثرات متقابل نهادهای خرد و کلان و اولویت اصلاحات نهادی در کشورهای OECD و جنوب غرب آسیا، تحلیل روابط بلندمدت بین نهادهای کلان و خرد براساس روش هم انباشتگی جوهانسون صورت گرفت و از آزمون اثر برای تعیین تعداد بردارهای هم انباشتگی استفاده شد. پس از تعیین تعداد روابط بلندمدت بین متغیرها، جهت علیت متغیر از طریق مدل‌های تصحیح خطا مشخص گردید.

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، ایران. (s.jani@pnu.ac.ir)

نتایج حاصل از برآورد الگو نشان داد که بهبود نهادهای خرد و کلان بر رشد اقتصادی هر دو گروه از کشورها تاثیر مثبت دارند، اما اثرگذاری نسبی اصلاحات سطح نهادی کلان بر رشد اقتصادی در کشورهای OECD بیش از کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا است. همچنین تحلیل روابط علی و بلندمدت براساس رویکرد هم انباشتگی جوهانسون و مدل‌های تصحیح خطا نشان داد که در کشورهای OECD، مطابق با تئوری نهادگرایی رابطه علی و بلند مدت از سوی نهادهای کلان به سمت نهادهای خرد برقرار بوده، اما در کشورهای جنوب غرب آسیا اثرات متقابل بین نهادهای خرد و کلان معنی دار نیست.

تحلیل نتایج این مطالعه دلالت بر آن دارد که در کشورهای OECD، نهادهای کلان الزاماتی را برای دولت و بازیگران اصلی در جهت انجام اصلاحات مناسب در سطح نهادی خرد بوجود می‌آورند، اما در کشورهای جنوب غرب آسیا، چارچوب و مقرراتی که دولت و بازیگران اصلی اقتصاد را مقید به پاسخگو بودن، کاهش فساد، ایجاد ثبات اقتصادی و همچنین صیانت از حقوق مالکیت افراد نماید، از کارایی لازم برخوردار نیست و لذا دولت‌ها و سایر بازیگران اصلی بدون اینکه چارچوب و مقرراتی بر آنها حاکم باشد، به صورت سلیقه‌ای نهادهای خرد را دستخوش تغییرات می‌نمایند.

تحلیل فوق در حالی است که بررسی شاخص‌های نهادی برای کشورهای جنوب غرب آسیا نشان می‌دهد که تمایل به داشتن رابطه بلندمدت در برخی از مولفه‌ها نهادی کلان از جمله مولفه «کیفیت قوانین و مقررات» و شاخص کسب و کار در کشورهای مذکور برای دوره مورد بررسی وجود دارد و این امر حاکی از آن است که در صورت تقویت نهادهای کلان، تئوری مکتب نهادگرایی در کشورهای جنوب غرب آسیا نیز صادق خواهد بود.

براساس نتایج فوق، حصول به عملکرد مناسب اقتصادی در کشورهای جنوب غرب آسیا از جمله ایران، مستلزم توجه و تاکید بر اصولی است که قادر به مقید نمودن دولت و بازیگران اصلی اقتصاد نسب به وظایف خود باشند. توجه به این اصول و تاکید بر آنها می‌تواند در قوانین پایه و اساسی کشور، سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه، سازمان‌های نظارت‌کننده بر دولت و تقویت مشارکت مردمی و بخش خصوصی که از مصادیق نهادهای کلان در این کشورها هستند، صورت پذیرد.

طبقه بندی JEL: O4, N45, O43

واژه‌های کلیدی: رشد اقتصادی، سطوح نهادی، کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا، کشورهای OECD

۱- مقدمه

حصول به رشد اقتصادی بالا و مستمر یکی از اهداف اقتصادی کشورهاست و این مهم برای ایران به دلیل تاکید سند چشم انداز بیست ساله نظام و رسیدن به اقتصاد برتر بین کشورهای جنوب غربی آسیا از اهمیت بالایی برخوردار است.

با عنایت به اهمیت رشد اقتصادی، عوامل موثر بر رشد در مکاتب مختلف مورد توجه بوده است. در این میان ظهور موفقیت آمیز اقتصاد نهادگرایی جدید در دهه ۹۰ و توجه بیشتر محافل علمی به مباحث نهادی، رفع موانع نهادی به منظور تسریع در رشد اقتصادی را مورد تاکید قرار داد. در نظریه نهادگرایی عوامل سنتی رشد از جمله سرمایه فیزیکی و انسانی، عوامل سطحی تعیین کننده رشد اقتصادی بوده و اصلاح نهادها به عنوان عوامل عمیق یا بنیادین تعیین کننده رشد هستند (Nadiri & Mohammadi, 2012).

مروری بر ادبیات اقتصاد نهادگرایی حاکی از آن است که دو سطح از نهادها بر عملکرد اقتصادی تاثیر می گذارند. سطح اول شامل نهادهای کلان هستند که دولت و دیگر بازیگران قدرتمند را تحت تاثیر قرار می دهند و سطح دوم نهادهای خرد را در بر می گیرد که با کاهش هزینه های معاملات، فضای کسب و کار را تسهیل می کنند (Williamson, 2000).

بر اساس ادبیات نهادگرایی، فضای نهادی خرد متاثر از فضای نهادی کلان بوده و برخی بررسی ها نیز به تاثیر کیفیت نهادهای سطح اول بر سطح دوم پرداخته اند که در این خصوص می توان به مطالعات بوتا آورام^۱ (۲۰۱۴) و کول و فولتن^۲ (۲۰۱۳) اشاره نمود (Bota-Avram, 2014; Cule and Fulton, 2013). اما نتایج برخی از مطالعات از جمله بررسی صورت گرفته توسط هلی ول و هوانگ^۳ (۲۰۰۸) نشان می دهد که نوع رابطه بین نهادهای خرد و کلان در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می تواند متفاوت باشد (Helliwell and Huang, 2008). نتایج این مطالعات ضرورت بررسی در خصوص اثرات متقابل نهادی برای گروه های مختلف از کشورها و پی بردن به اولویت اصلاحات نهادی را در آنها الزامی می نماید. این در حالی است که در اکثر مطالعات بدون توجه به نوع نهاد، جایگاه و همچنین اثرات متقابل آنها، تاثیر مثبت نهادها بر رشد اقتصادی نشان داده شده است.

¹ Bota-Avram

² Cule and Fulton

³ Helliwell and Huang

بر اساس توضیحات فوق، هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر عوامل نهادی مختلف بر رشد اقتصادی و تعیین اولویت اصلاحات نهادی در کشورهای جنوب غرب آسیا براساس تئوری نهادگرایی و در مقایسه با کشورهای OECD است. بدین منظور این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوالات می‌باشد که آیا عوامل نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه سند چشم انداز موثر بوده است یا نه؟ میزان تاثیر این عوامل بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه سند چشم انداز در مقایسه با کشورهای توسعه یافته چگونه است؟ اثرات متقابل نهادهای خرد و کلان در کشورهای حوزه سند چشم انداز و توسعه یافته چگونه است؟ و بر این اساس اولویت اصلاحات نهادی در کشورهای مورد بررسی چیست؟

به منظور پاسخ به سوالات فوق در بخش بعدی این مطالعه، ادبیات موضوع مورد بررسی قرار گرفته و شاخص‌های مناسب برای ارزیابی سطوح مختلف نهادی در نظر گرفته می‌شود. در بخش سوم پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و در بخش چهارم الگویی به منظور تحلیل تاثیر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی معرفی می‌شود. الگوی مذکور در بخش پنجم برآورد و نتایج آن برای هر دو گروه از کشورها به همراه اثرات متقابل نهادی با استفاده از آزمون هم انباشتگی و مدل‌های تصحیح خطاء مورد بررسی قرار می‌گیرد. جمع بندی و پیشنهادات نیز در بخش ششم ارائه می‌شود.

۲- ادبیات موضوع

از نیمه دوم قرن بیستم تئوری‌های مختلفی در ادبیات اقتصاد رشد برای تبیین تفاوت رشد اقتصادی کشورها و عوامل موثر بر آن شکل گرفته اند که از آن جمله می‌توان به مدل رشد سولو^۴ (۱۹۵۶) و سوان^۵ (۱۹۵۶)، رومر^۶ (۱۹۸۶) و لوکاس^۷ (۱۹۸۸) اشاره نمود. در این تئوری‌ها از انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه به عنوان عوامل اصلی تعیین کننده رشد اقتصادی نام برده می‌شود. اما این تئوری‌ها نتوانستند دلیل تفاوت کشورها در رشد اقتصادی را تبیین کنند (Rodrik, 2005). به این ترتیب موج جدید از تئوری‌های رشد در اقتصاد شکل گرفت که به مدل‌های نهادی و اقتصاد سیاسی رشد معروف گشتند (Snowdon)

^۴ Solow

^۵ Swan

^۶ Romer

^۷ Lucas

(and Vane, 2005). به عقیده اقتصاددانان نهادگرا از جمله نورث^۸ (۱۹۹۰) سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و تکنولوژی عوامل مستقیم و سطحی^۹ تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی می باشند و نهادها عامل عمیق یا بنیادین تعیین کننده رشد^{۱۰} و توسعه جوامع هستند (Nadiri & Mohammadi, 2012).

بر اساس تعریف نورث نهادها قواعد بازی در جامعه هستند. از دیدگاه وی «نهادها محدودیت های طراحی شده توسط انسان ها هستند که تعاملات بشری را شکل می دهند به عبارتی، نهادها مجموعه انتخاب های افراد را معین کرده و آن را محدود می کنند». براساس این دیدگاه، نهادها از آن حیث اهمیت دارند که سبب ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند (North, 1990).

به اعتقاد کوز^{۱۱} (۱۹۶۰) مهم ترین کارکرد نهادها کاهش عدم اطمینان و هزینه های مبادله در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است. نهادها با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادها، ارتقاء انگیزه های کارآفرینان، حفظ ثبات در سطح کلان اقتصادی، مدیریت ریسک پذیری و خطرجویی واسطه های مالی، کاهش نااطمینانی و تقلیل هزینه معاملات، ارائه شبکه های تأمین اجتماعی و ارتقا پاسخ گویی و انتقادپذیری حاکمان، مجموعه ای از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را فراهم می کنند که در درون آن، افراد جامعه به کسب و انباشت مهارت و بنگاه های اقتصادی به انباشت سرمایه و تولید محصول می پردازند. بر اساس دیدگاه نهادگرایی جدید، نوع حکمرانی، مقررات و نهادها یک کشور از جمله عوامل اولیه و اصلی تعیین کننده انگیزه ها و تمایلات افراد برای سرمایه گذاری فیزیکی و کسب مهارت و فن آوری در آن جامعه هستند (North, 1990).

برای به دست آوردن چشم انداز کلی از نقش نهادها در اقتصاد و اثرات متقابل آنها نسبت به هم، در این مطالعه چارچوب تحلیلی که توسط ویلیامسون^{۱۲} (۲۰۰۰) مطرح شده و فضای کلی تحقیقات نهادی را مشخص می کند، استفاده می شود. بر اساس دیدگاه ویلیامسون، اقتصاددانان در بررسی مسائل با چهار سطح از تحلیل روبرو هستند که در جدول (۱) مشخص شده است.

^۸ North

^۹ Proximate

^{۱۰} Fundamental or Deep Determinants of Economic Growth

^{۱۱} Coase

^{۱۲} Williamson

سطح اول سطح ریشه دار اجتماعی است که در آن هنجارها، رسوم، اخلاقیات، سنت‌ها و غیره مورد بحث قرار می‌گیرند. مذهب نقش عمده‌ای را در این سطح ایفا می‌کند. این سطح توسط بیشتر اقتصاددانان نهادگرای جدید، ثابت (داده شده) فرض می‌شود. اما ساختارهای مشاهده شده در سطح دوم، محصول فرایندهای طراحی شده بشری بوده و شامل ابزارهای اجرایی، قضایی، قانون گذاری و کارکردهای بوروکراتیک دولت و همچنین توزیع قدرت میان سطوح مختلف دولت می‌شود. به عبارتی سطح دوم از تحلیل‌ها، قواعد بازی را نشان می‌دهد و بر عوامل نهادی تاکید دارد. تعریف و اعمال قواعد و قوانین مطرح شده در سطح دوم تحلیل، آسان و بدون هزینه نیست، لذا سطح سوم از تحلیل‌ها مطرح می‌شود که در آن شیوه‌های بازی که در واقع یک سیستم اجرایی و قضایی کارا برای مدیریت قراردادها و حل و فصل مخاصمات است، بیان می‌شود. اقتصاد هزینه مبادلاتی از اصلی‌ترین مباحث نهادگرایان در این سطح بیان می‌شود. در سطح چهارم نیز از تحلیل‌های نئوکلاسیکی، ابزارها و تکنیک‌های بهینه‌یابی و عمدتاً تحلیل‌های نهایی استفاده می‌شود. در این سطح از تحلیل، عوامل نهادی ثابت بوده و عمدتاً از تعدیل بازار نسبت به قیمت بحث می‌شود.

جدول ۱: چارچوب کلی اقتصاد نهادگرایی

Table1: Institutionalist Economy Framework

عملکرد	(تناوب سال)	سطوح	
اغلب غیر قابل محاسبه، خود به خودی	۱۰۰ تا ۱۰۰۰	پایداری: نهادهای غیر رسمی رسوم، سنت‌ها، هنجارها، مذهب	سطح یک: تئوری اجتماعی
اولین سطح نهادی موثر بر عملکرد اقتصادی	۱۰ تا ۱۰۰	محیط نهادی: قواعد رسمی بازی (شیوه حکومت، قوه قضائیه و (دیوان‌سالاری	سطح دو: اقتصاد حقوق- اقتصاد سیاسی
دومین سطح نهادی موثر بر عملکرد اقتصادی	۱ تا ۱۰	محیط نهادی: جریان انجام بازی (تطبیق و تنظیم ساختار (حکمرانی با معاملات	سطح سه: اقتصاد هزینه‌های معاملاتی
سطح چهارم اقتصادی	پیوسته	تخصیص منابع و اشتغال: قیمتها و مقادیر؛ تطبیق انگیزه‌ها	سطح چهار: اقتصاد نئوکلاسیک (تئوری بنگاه)

Source :Williamson, O. E. (2000)

با عنایت به چهار سطح تحلیلی مطرح شده، آشکار است که مباحث نهادی با دو سطح دوم و سوم از تحلیل‌ها در ارتباط هستند. همچنین براساس دیدگاه نهادگرایان سطح دوم نهادی بر سطح سوم نهادی مقدم بوده و در واقع شیوه بازی تحت تاثیر قواعد بازی است (Williamson, 2000). علاوه بر این براساس چارچوب نهادی ویلیامسون سطح چهارم تحلیل بر اقتصاد بازار دلالت دارد که عملکرد آن تحت تاثیر سطوح دوم و سوم نهادی است.

براساس چارچوب فوق اقتصاددانان نهادگرای جدید معتقدند که کشورها برای برخورد با چالش‌های توسعه، نیازمند چارچوب نهادی هستند که از اقتصاد بازاری حمایت نماید (Shirley, 2008). در این خصوص شرلی وجود دو نوع از نهادها را برای توسعه ضروری می‌داند: (۱) نهادهایی که بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تاثیر می‌گذارند و از حقوق مالکیت و افراد در مقابل آنها حفاظت می‌کنند و خطر مصادره اموال و نقض قوانین را کاهش می‌دهند. (۲) نهادهایی که با کاهش هزینه‌های معاملات و ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می‌کنند. به عبارتی شرلی سطوح دوم و سوم نهادی چارچوب ویلیامسون را در قالب نهادهای نوع اول و دوم بحث نموده است. در واقع براساس نظر شرلی و ویلیامسون، نهادهای کلان ناظر بر قواعدی است که دولت و بازیگران اصلی را کنترل نموده و آنها را مقید به رفتاری می‌نمایند که حقوق مالکیت افراد را مورد صیانت قرار داده و هزینه معاملات افراد و بنگاه‌های اقتصادی را کاهش دهند. در این خصوص برخی از مطالعات از جمله بررسی صورت گرفته توسط کول و فولتن (۲۰۱۳) و بوت‌آورام (۲۰۱۴) به رابطه دولت و بخش خصوصی پرداخته و بیان می‌کنند که قواعدی که دولت خوب را بوجود می‌آورد می‌تواند نتایج مثبت زیادی از جمله ایجاد فضای مناسب برای فعالیت بخش خصوصی را نیز به همراه داشته باشد (Cule and Fulton, 2013; Bota-Avram, 2014). همچنین نتایج برخی از بررسی‌ها از جمله مطالعه وی^{۱۳} (۱۹۹۷)، فرایدمن^{۱۴} (۲۰۰۰) و جانسون^{۱۵} و همکاران (۱۹۹۸) نشان می‌دهند که اگر قواعد ناظر بر دولت و مقامات دولتی از کارایی لازم برخوردار باشند و بتواند رفتار دولت را در زمینه فساد کنترل نماید، مقررات و چارچوب‌های مناسب در فضای نهادی خرد برای فعالیت بنگاه‌های

^{۱۳} Wei

^{۱۴} Friedman

^{۱۵} Johnson

بخش خصوصی نیز فراهم می‌شود (Wei,1997; Friedman,2000;Johnson et.al.,1998).

در ادامه شاخص‌های نهادی مناسب برای سنجش تغییرات نهادی خرد و کلان و نحوه اثر گذاری آنها بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- شاخص‌های نهادی خرد و کلان و اثر گذاری آنها بر رشد اقتصادی

همانطور که در مبانی نظری بیان شد چارچوب نهادی ویلیامسون (۲۰۰۰) دلالت بر آن داشت که سطح دوم نهادی، قواعدی هستند که ناظر بر کارکرد دولت در امور قضایی، قانون گذاری و توزیع قدرت میان سطوح مختلف و الزام دولت به اعمال حقوق مالکیت است. همچنین شرلی (۲۰۰۸) این سطح از نهادها را به این صورت توصیف نمود که این نوع از نهادها بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تاثیر می‌گذارند و از حقوق مالکیت و افراد در مقابل آنها حفاظت می‌کنند و خطر مصادره اموال و نقض قوانین را کاهش می‌دهند. به عبارتی این نوع از نهادها مشتمل بر قواعد ناظر بر عملکرد دولت ها و سایر بازیگران قدرتمند و نحوه برخورد آنها با حقوق مالکیت افراد است. بررسی شاخص‌های نهادی در دسترس برای اقتصاد ایران و کشورهای منطقه که ناظر بر صیانت از حقوق مالکیت افراد در مقابل دولت‌ها و بازیگران قدرتمند و الزام آنها به پاسخگویی نسبت به عملکردشان باشد، شاخص حکمرانی خوب^{۱۶} را مورد توجه قرار می‌دهد.

حکمرانی خوب از زمانی اهمیت یافت که سازمان های بین المللی متوجه شدند دولت های ضعیف مانع مهمی در توسعه اقتصادی آنها هستند. محققان بانک جهانی از جمله کافمن^{۱۷} (۲۰۱۳) حکمرانی را نهادها، آداب و رسوم رسمی و غیر رسمی تعریف می‌کنند که به وسیله آنها در یک کشور قدرت در جهت مصلحت عمومی اعمال می‌شود و شامل موارد زیر است.

- فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند.
- ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاستهای درست و کارآمد
- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند (Shahabadi and Salimi,2015).

^{۱۶} Good Governance Indicator

^{۱۷} Kauffman

شاخص حکمرانی خوب برای تبیین و سنجش حکمرانی کشورها، سالانه توسط بانک جهانی تهیه می‌شود و شامل مولفه‌هایی است که بر انتقاد و پاسخ‌گویی^{۱۸} دولت، کارآمدی دولت^{۱۹}، کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات^{۲۰}، حاکمیت قانون^{۲۱} در جامعه، ثبات سیاسی^{۲۲} و کنترل فساد^{۲۳} توجه داشته و ناظر بر رفتار دولت‌ها و دیگر بازیگران قدرتمند نسبت به حقوق مالکیت افراد است.

شاخص انتقاد و پاسخ‌گویی حاکی از میزان امکان مشارکت شهروندان یک کشور در انتخاب دولت بوده و بر میزان آزادی بیان و آزادی اجتماعات در یک جامعه دلالت دارد. این شاخص نشان می‌دهد که به چه میزان تصمیمات و سیاست‌های دولتی در معرض عموم مردم بوده و نمی‌تواند تابع سلیقه دولتمردان قرار گیرد. در جوامعی که سطح این شاخص در آنها مناسب است، دولت‌ها در سیاستگذاری محتاط بوده و سعی در اجرای سیاست‌های منطقی دارند.

ثبات سیاسی و فقدان خشونت دلالت بر احتمال ایجاد بی‌ثباتی در حاکمیت به واسطه حرکت‌های خارج از قانون اساسی و خشونت از جمله تروریسم دارد. مناسب بودن این شاخص در کشورها نشان دهنده امنیت بالا و حمایت از حقوق مالکیت است.

کارآمدی دولت نشان‌دهنده کیفیت ارائه خدمات عمومی یعنی توانایی دولت در ارائه خدمات و استقلال آن از فشارهای سیاسی و چگونگی تنظیم و تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌هاست.

کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات نشان دهنده چگونگی ایجاد و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات صحیح است که منجر به بهبود و توانمندسازی بخش خصوصی می‌شود. این شاخص نشان دهنده میزان دخالت و کنترل دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی یک کشور است.

حاکمیت قانون میزان پایبندی و اعتماد اعضای جامعه به قوانین از جمله اطمینان به محافظت از حقوق مالکیت، اعتماد به دادگاه‌ها، پلیس را نشان می‌دهد.

^{۱۸} Voice & Accountability

^{۱۹} Government Effectiveness

^{۲۰} Regulatory Quality

^{۲۱} Rule of Law

^{۲۲} Political Stability

^{۲۳} Control of Corruption

کنترل فساد: میزان استفاده از قدرت عمومی برای به دست آوردن منافع شخصی را نشان می‌دهد و نیز نشان دهنده تصرف و سلطه طبقه ذی‌نفوذ و اشراف بر دولت است.

در مجموع حکمرانی خوب از طریق ایجاد ساختار انگیزشی مناسب، نااطمینانی را در اقتصاد کاهش داده و از این رهگذر با افزایش کارایی به رشد اقتصادی بالاتر می‌انجامد. بدون ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، دامنه مبادلات بازاری کاهش می‌یابد؛ ساختار قوانین و مقررات نامناسب، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را تحلیل می‌برد؛ فساد، سیاست‌های دولت را از اهداف واقعی منحرف می‌سازد و مشروعیت نهادهای دولتی حامی بازار را کاهش می‌دهد.

سطح سوم نهادی (یا نهادهای نوع دوم از نظر شرلی) براساس چارچوب نهادی ویلیامسون، چنانچه در مبانی نظری بیان شد، شیوه و فرآیند انجام کار واحدهای اقتصادی را در محیط فعالیت آنها مورد توجه قرار می‌دهد و به نظر شرلی این نوع از نهادها، شامل مواردی هستند که با کاهش هزینه‌های معاملات و ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می‌کنند. در این خصوص بانک جهانی اقدام به تهیه شاخص سهولت کسب و کار^{۲۴} نموده است. این شاخص زمان، هزینه و تعداد فرآیند انجام کار مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی را از زمان شکل‌گیری، ادامه فعالیت و در نهایت انحلال و تسویه آنها را در کشورها مورد سنجش قرار می‌دهد و به عبارتی سهولت یا بوروکراسی انجام کار و مبادلات برای واحدهای اقتصادی را در کشورها اندازه‌گیری می‌نماید. شاخص سهولت انجام کسب و کار^{۲۵} دارای چند مزیت است و بیشتر اشکالاتی که بر دیگر شاخص‌های نهادی وارد می‌شود، بر این شاخص وارد نیست. اول این که این شاخص بر یک حوزه خاص در زمینه کیفیت نهادی تکیه دارد. دوم این که این شاخص مبتنی بر اندازه‌گیری عینی و واقعی^{۲۶} (همانند تعداد مراحل، تعداد روزها و غیره) از فرآیند انجام امور مربوط به کسب و کار است درحالی که اغلب

^{۲۴} Ease of Doing Business

^{۲۵} شاخص سهولت انجام فضای کسب و کار در سال ۲۰۰۳ برای اولین بار توسط بانک جهانی و توسط جانکو و همکارانش با استفاده از پنج شاخص تدوین و انتشار یافت که در سال‌های بعد شاخص‌های دیگری نیز به آن اضافه گردید. شاخص‌های ۱۰ گانه فضای کسب و کار برای سال‌های اخیر عبارتند از: شروع کسب و کار، اخذ مجوز، دسترسی به انشعاب برق، ثبت دارایی، دریافت اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات تجارت خارجی، اجرای قرار داد، تعطیلی کسب و کار

^{۲۶} Objective

شاخص‌ها در این خصوص مبتنی بر تصور^{۲۷} هستند (Djankov et al., 2006). نکته دیگر این که، شاخص سهولت انجام کسب و کار از آمار بنگاه‌ها در سطح کوچک و متوسط استفاده می‌نماید که سایر شاخص‌ها فاقد این مزیت هستند.

با عنایت به مراتب فوق در این مطالعه از شاخص‌های حکمرانی خوب برای سطح دوم نهادی و شاخص‌های سهولت فضای کسب و کار برای سطح سوم نهادی استفاده می‌شود. از آنجا که شاخص‌های فضای کسب و کار از آمار بنگاه‌های سطح کوچک و متوسط به دست می‌آید، اطلاعات حاصل آن بر سطح خرد فضای نهادی اقتصاد یک کشور و سطح سوم از تحلیل نهادی ویلیامسون تاکید دارد. در حالی که آمارهای حکمرانی خوب پوشش دهنده فضای کلان سطح نهادی و سطح دوم از تحلیل نهادی ویلیامسون است. با عنایت به اینکه شاخص سهولت فضای کسب و کار به ابعاد کلان از جمله ثبات کلان اقتصادی توجهی ندارد و شاخص حکمرانی ابعاد خرد را مدنظر قرار نمی‌دهد، حوزه مورد نظر این دو شاخص تا حدود زیادی مستقل از هم می‌باشند.

۲-۲- بررسی موقعیت کشورهای جنوب غرب آسیا و ایران در شاخص‌های نهادی
در جدول (۲) اطلاعات مربوط به شاخص‌های نهادی سهولت فضای کسب و کار و حکمرانی خوب طی دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۷) برای کشورهای جنوب غرب آسیا ارائه شده است. لازم به ذکر است که با کاهش رقم شاخص فضای کسب و کار، محیط کسب و کار بهتر و با افزایش رقم شاخص حکمرانی خوب، وضعیت نهادی در سطح کلان بهبود می‌یابد. بررسی ضریب همبستگی تغییرات این دو شاخص در بین کشورهای منطقه و برای دوره مورد بررسی در حدود منفی ۵۰ درصد است.

براساس اطلاعات جدول (۲) رقم شاخص کسب و کار برای کشورهای منطقه در مجموع به میزان ۵۷ رتبه طی دوره مورد بررسی تنزل یافته است که از این میزان ۳۳ رتبه تنزل مربوط به ایران می‌باشد. همچنین رقم شاخص حکمرانی خوب در کشورهای مذکور به میزان ۱۳ واحد برای دوره مورد بررسی بهبود یافته است.^{۲۸} این در حالی است که رتبه ایران در شاخص حکمرانی برای دوره مورد بررسی یک واحد تنزل یافته است. این نتایج با عنایت به ویژگی و مفهوم شاخص حکمرانی خوب حاکی

^{۲۷} Perception-Based

^{۲۸} شایان ذکر است افزایش رقم حکمرانی خوب و کاهش رقم شاخص کسب و کار به معنی بهبود کشورها در شاخص‌های نهادی مذکور است.

از این است که در کشورهای جنوب شرق آسیا (کشورهای حوزه سند چشم انداز) تمرکز بر اصلاحات نهادهایی است که بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تاثیر می‌گذارند و از حقوق مالکیت و افراد در مقابل آنها حفاظت می‌کنند، این در حالی است که در ایران طی دوره مورد بررسی شاخص حکمرانی تنزل یافته است.

جدول ۲: شاخص‌های نهادی کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا طی دوره (۲۰۰۷-۲۰۱۴)

Table 2: South west Asian Region Institutional indices during (2007-2014)

نام متغیر	شاخص سهولت کسب و کار			شاخص حکمرانی خوب		
	سال	۲۰۰۷	۲۰۱۴	تغییرات	۲۰۰۷	۲۰۱۴
افغانستان	۱۶۲	۱۶۵	۳	۴/۶	۷/۸	۳
ارمنستان	۳۴	۳۷	۳	۴۱/۳	۴۳	۲
آذربایجان	۹۹	۷۰	-۲۹	۲۲/۴	۲۸/۶	۶
بحرین	۱۸	۴۶	۲۸	۵۵/۲	۵۰/۹	-۴
مصر	۱۶۵	۱۲۸	-۳۷	۳۴/۵	۲۱/۹	-۱۳
گرجستان	۳۷	۸	-۲۹	۴۶	۶۳/۷	۱۸
ایران	۱۱۹	۱۵۲	۳۳	۱۹/۳	۱۸/۹	-۱
عراق	۱۴۵	۱۵۱	۶	۴/۳	۸/۵	۴
اردن	۷۸	۱۱۹	۴۱	۵۳	۴۹/۷	-۳
قزاقستان	۶۳	۵۰	-۱۳	۳۲/۶	۳۷	۴
کویت	۴۶	۱۰۴	۵۸	۵۹	۴۸	-۱۱
قیرقیزستان	۹۰	۶۸	-۲۲	۱۹/۳	۲۲/۲	۳
لبنان	۸۶	۱۱۱	۲۵	۲۹	۲۷/۷	-۱
عمان	۵۵	۴۷	-۸	۶۰/۷	۶۰/۲	۰/۵
پاکستان	۷۴	۱۱۰	۳۶	۲۳	۲۱	-۲
قطر	۳۷	۴۸	۱۱	۶۳	۶۹/۷	۷
عربستان	۳۸	۲۶	-۱۲	۴۲	۴۶/۵	۵
سودان	۱۵۴	۱۴۹	-۵	۷/۱	۵/۳	-۲
تاجکستان	۱۳۳	۱۴۳	۱۰	۱۵/۵	۱۶/۵	۱
ترکیه	۹۱	۶۹	-۲۲	۵۱	۴۹/۵	-۱
امارات	۷۷	۲۳	-۵۴	۶۶	۷۱	۵
ازبکستان	۱۴۷	۱۴۶	-۱	۹/۷	۱۵/۵	۶
یمن	۹۸	۱۳۳	۳۵	۱۹	۸/۵	-۱۱
جمع تغییرات			۵۷			۱۳
متوسط	۸۹	۹۱	۲	۳۳/۸	۳۳/۲	۰/۶

Source: <https://data.worldbank.org>

۳- پیشینه تحقیق

از جمله اولین مطالعات تجربی در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی می‌توان به بررسی‌های صورت گرفته توسط توسط نک و کیفر^{۲۹} (۱۹۹۵)، هال و جونز^{۳۰} (۱۹۹۹)، عجم‌اوغلو و همکارانش^{۳۱} (۲۰۰۱)، استرلی و لوین^{۳۲} (۲۰۰۳)، آسان و گرامی^{۳۳} (۲۰۰۳)، رودریک و همکارانش^{۳۴} (۲۰۰۴) و ویکتور و ویلادیمیر^{۳۵} (۲۰۰۶) اشاره نمود ((Nadiri & Mohammadi, 2012)). نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل نهادی مهمترین و بیشترین تاثیر را بر رشد اقتصادی کشورها داشتند. این در حالی است که در کمتر مطالعه‌ای تاثیر سطوح مختلف نهادی بر عملکرد اقتصاد بررسی شده و یا اثر متقابل آنها مد نظر قرار گرفته است. در این خصوص بوت‌آورام (۲۰۱۴) با تاکید بر رابطه بین دولت و بخش خصوصی، شاخص حکمرانی را به عنوان شاخصی که ناظر بر رفتار دولت بوده و شاخص سهولت فضای کسب و کار را به عنوان شاخصی که بر رفتار بخش خصوصی و بنگاه‌ها موثر است، برای گروه‌های مختلفی از کشورها مد نظر قرار داده و به این ترتیب به بررسی رابطه متقابل نهادهای خرد و کلان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که شاخص حکمرانی (شاخصی برای سطح دوم نهادی) بر شاخص سهولت فضای کسب و کار (سطح سوم نهادی) در همه کشورها تاثیر مثبت دارد. همچنین کول و فولتن (۲۰۱۳) متعقدند جامعه برخوردار از شاخص حکمرانی خوب می‌تواند فضای مناسبی را برای کسب و کار آماده نموده و رشد اقتصادی را ایجاد نماید. علاوه بر این برخی از مطالعات از جمله مطالعه صورت گرفته توسط مارو^{۳۶} (۱۹۹۵)، تانزی و داودی^{۳۷} (۱۹۹۷)، وی (۱۹۹۷)، جانسون و همکاران (۱۹۹۸) و فرایدمن (۲۰۰۰) با تاکید بر برخی از جنبه‌های حکمرانی از جمله حاکمیت قانون و فساد نشان می‌دهند که حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های بخش خصوصی موثر است (Tanzi and Mauro, 1995).

^{۲۹} Knack & Keefer

^{۳۰} Hall & Jones

^{۳۱} Acemoglu, et al

^{۳۲} Easterly & Levine

^{۳۳} Assane & Grammy

^{۳۴} Rodrik, et al

^{۳۵} Victor & Vladimir

^{۳۶} Mauro

^{۳۷} Tanzi and Davoodi

Friedman et ; Johnson et al.,1998; Wei,1997; Davoodi,1997; (al.,2000).

در این میان می و همکاران^{۳۸} (۲۰۰۲) با بررسی تاثیر شاخص‌های حکمرانی بر اقتصاد غیر رسمی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نشان می‌دهند که تمامی جنبه‌های شاخص حکمرانی بر اندازه اقتصاد غیر رسمی موثر است. اما این اثر گذاری برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته متفاوت است (May et al.,2002). از طرفی هلی ول و هوانگ (۲۰۰۸) نیز به بررسی ارتباط کیفیت حکمرانی با معیارهای جهانی رضایتمندی شهروندان در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پرداخته و نتیجه می‌گیرند که کیفیت حکمرانی در کشورهای توسعه یافته با تقویت دموکراسی، ارتباط دارد. در حالی که در کشورهای در حال توسعه ارائه خدمات صادقانه و کارا توسط دولت موجب ارتقاء کیفیت حکمرانی است (Helliwell & Huang, 2008).

با عنایت به مراتب فوق اثرگذاری اصلاحات نهادی و همچنین اثرات متقابل آنها بر عملکرد اقتصاد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته متفاوت بوده و لازم است اثرات نهادی برای گروه‌های مختلف از کشورها به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. این در حالی است که در اغلب مطالعات بدون توجه به سطح توسعه کشورها، تنها برخی از جنبه‌های نهادی مورد تاکید قرار گرفته است، که از مهمترین آنها می‌توان به مطالعه صورت گرفته توسط پرایس و همکاران^{۳۹} (۲۰۱۱)، حیدر^{۴۰} (۲۰۱۲) و البسام^{۴۱} (۲۰۱۳) اشاره نمود که فقط تاثیر شاخص حکمرانی خوب را بر رشد مورد بررسی قرار داده‌اند (Price et al.,2011;Haidar,2012; Albassam, 2013). همچنین برخی از مطالعات تنها اثر بهبود در فضای کسب و کار و مولفه‌های آن را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند که در این خصوص می‌توان به مطالعه ساین^{۴۲} (۲۰۱۵)، تئودوریکا^{۴۳} (۲۰۱۵) و جانکو^{۴۴} و همکارانش (۲۰۰۶) اشاره نمود (Djankov et al,2006; Singh,2015;Teodorica,2015).

³⁸ May, Pyle & Sommers

^{۳۹} Price

^{۴۰} Haidar

⁴¹ Albassam

⁴² Singh

^{۴۳} Teodorica

^{۴۴} Djankov

حیدر (۲۰۱۲) با بکارگیری شاخص شش گانه حکمرانی در کنار سایر عوامل رشد اقتصادی برای ۱۷۲ کشور نشان می‌دهد که عوامل نهادی و اصلاحات در آنها به صورت معنی‌داری در رشد اقتصادی این کشورها موثر هستند (Haidar, 2012) و البسام (۲۰۱۳) نیز نشان می‌دهد که رابطه حکمرانی خوب و رشد اقتصادی کشورها حتی در دوره‌های بحران یک رابطه با ثبات است. همچنین پرایس و همکارانش نشان می‌دهند که حکمرانی خوب با ایجاد شفافیت، به عملکرد بهتر اقتصاد می‌انجامد (Albassam, 2013).

تئودوریکا (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر هر یک از مولفه‌های شاخص سهولت فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در ۲۹ کشور آسیایی پرداخته و با بکارگیری الگوی اقتصادسنجی نشان می‌دهد که زیر شاخص اخذ مجوز، اخذ اعتبار، ثبت دارایی و تجارت خارجی از مهمترین عوامل موثر بر رشد اقتصادی در کشورهای مذکور بوده است (Teodorica, 2015). جانکو و همکارانش (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان «مقررات و رشد اقتصادی» با بکارگیری متوسط هفت شاخص از شاخص‌های ده‌گانه سهولت کسب و کار تاثیر مثبت اصلاحات در این شاخص‌ها را بر رشد اقتصادی ۱۳۵ کشور طی دوره (۲۰۰۳-۱۹۹۳) نشان دادند (Djankov et al., 2006). از مهمترین مطالعات داخلی در خصوص تاثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

فاتحی دابانلو و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی تاثیر متقابل نهادها و توسعه در کشورهای خاور میانه براساس روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای داده‌های پانل پرداخته و نشان می‌دهد که در کشورهای مذکور تاثیر توسعه بر نهادها بیش از تاثیر نهادها بر توسعه می‌باشد (Fatehi Dabanloo et al, 2017).

بابکی و سلیمی‌فر (۱۳۹۳) به تاثیر محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی برای کشورهای منتخب پرداخته و نتیجه می‌گیرند که هر دو عامل تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد، اما نقش عامل آزادی اقتصادی بیشتر است (Babaki and Salimifar, 2014). همچنین بختیاری و شایسته (۱۳۹۱) با بررسی تاثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب نتیجه می‌گیرند که بهبود در فضای کسب و کار موجب رشد اقتصادی کشورها شده است (Bakhtiari and SHayesteh, 2012). از سایر مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان به مطالعات مکیان و همکاران (۱۳۹۲)، دامن‌کشیده و خدابخش‌زاده (۱۳۹۱) و باصری و شاه

حسینی (۱۳۸۹) اشاره نمود. (Makiyan et al, 2013; Damankeshide and Khodabakhshzadeh, 2012; Baseri and Shahhoseini, 2010).

ندیری و محمدی (۱۳۹۰)، تاثیر گذاری نهادها بر رشد اقتصادی را با استفاده شاخص حکمرانی خوب و شاخص راهنمای ریسک بین المللی کشورها در سطح جهانی و کشورهای منتخب بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که به غیر از کشورهای نفتی در بقیه کشورها نهادها تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورها داشته است (Nadiri and Mohammadi, 2012).

کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۸)، اثر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان) را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که در ایران کیفیت حکمرانی دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد و میزان تأثیرگذاری شاخص حکمرانی در ترکیه بیشتر از ایران و پاکستان می‌باشد (Komijani and Salatin, 2009). کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۹) در مطالعه دیگر برای کشورهای OECD و OPEC نشان می‌دهند ارتباط مثبت و معنی داری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه وجود دارد. همچنین میزان تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه OECD بیش از گروه کشورهای عضو OPEC می‌باشد (komijani and Salatin, 2011). مبارک و آذرپیوند (۱۳۹۱) نیز در مطالعه خود برای کشورهای اسلامی نشان دادند که میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای مصر، ایران، ترکیه و اندونزی نسبت به سایر کشورهای اسلامی کمتر است (Mobarak and Azarpeyvand, 2012).

میرشجاعیان و رهبر (۱۳۹۰) با بررسی مفهوم و ابعاد توسعه نهادی، نحوه اثرگذاری مولفه‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهایی که در مخاطره نفرین منابع طبیعی قرار دارند، را مورد تحلیل قرار می‌دهد. یافته‌های وی نشان می‌دهد که دو شاخص کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات دارای اولویت‌های نخست در افزایش کیفیت نهادی کشورهایی هستند که در مخاطره منابع طبیعی قرار دارند (Mirshojaeian and Rahbar, 2012).

همانطور که ملاحظه می‌شود در اغلب مطالعات انجام شده تنها به تاثیر مثبت نهادها بر رشد اقتصادی اکتفاء نموده و اولویت اصلاحات نهادی در آنها بدون توجه به اثرات متقابل نهادی براساس تئوری نهادگرایی، جایگاه نهادهای مختلف و سطح توسعه کشورها بررسی شده است.

۴- معرفی مدل و روش تحقیق

به منظور بررسی تاثیر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی در این مطالعه از مدل جانکو و همکارانش (۲۰۰۶) به عنوان مدل پایه بهره گرفته می‌شود. همچنین به منظور بررسی اثرات متقابل بین نهادها و بررسی روابط بلندمدت بین متغیرهای نهادی از یک سو و رشد اقتصادی از طرف دیگر، از رویکرد هم انباشتگی جوهانسون جوسیلیوس^{۴۵} استفاده می‌شود و در نهایت با بکارگیری رویکرد مدل تصحیح خطای برداری^{۴۶}، جهت علیت روابط نهادی در بلندمدت مورد بررسی قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق شامل اطلاعات ۲۴ کشور منطقه جنوب غرب آسیا از جمله ایران و ۳۴ کشور عضو OECD برای سال‌های (۲۰۱۴-۲۰۰۷) می‌باشد. مدل پایه مورد استفاده در مطالعه جانکو و همکارانش (۲۰۰۶) به صورت زیر می‌باشد. که در آن Growth رشد اقتصادی، Gdp_{FY} تولید ناخالص داخلی اولین سال دوره مورد بررسی، INS شامل متغیرهای نهادی و X دربرگیرنده متغیرهای کنترل می‌باشند.

$$\text{Growth} = f(Gdp_{FY}, \text{INS}, X) \quad (۱)$$

در برآورد مدل فوق، جانکو و همکارانش (۲۰۰۶) از داده‌های میانگین رشد سالانه و همچنین متوسط شاخص‌های فضای کسب و کار کشورها استفاده نمودند و به این ترتیب مدل براساس داده‌های مقطعی برآورد شده است. اما نکته مهمی که وجود دارد، درونزا بودن متغیرهای نهادی است. به این معنی که خود متغیرهای نهادی از رشد اقتصادی تاثیر می‌پذیرند، لذا در مدل مورد بررسی متغیرهای نهادی برونزا نبوده و بدون در نظر گرفتن این نکته ضرایب برآورد شده تورش دار خواهند بود. همچنین اثرات انجام اصلاحات نهادی در یک دوره، معمولاً در طی چند دوره بر رشد اقتصادی صورت می‌گیرد. برای در نظر گرفتن این موارد در این مطالعه از داده‌های پانلی پویا برای دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۷) و رویکرد گشتاورتعمیم یافته (GMM) استفاده شد. لذا مدل مورد بررسی در این مطالعه، عبارت است از:

$$\text{Growth} = f(\text{Growth}(-1), \text{INS}, X) \quad (۲)$$

^{۴۵} Johansen-Juselius

^{۴۶} Vector Error Correction Model

INS شامل متغیرهای نهادی یعنی شاخص حکمرانی خوب و شاخص سهولت فضای کسب و کار می‌باشد. شاخص حکمرانی خوب (GG) از میانگین ساده ۶ شاخص حکمرانی بدست آمده است و برای فضای کسب و کار از شاخص کلی سهولت فضای کسب و کار (DO) استفاده شده است. همچنین برای محاسبه رشد از تولید ناخالص سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱ استفاده شده است.

پس از برآورد مدل فوق، بررسی روابط بلندمدت بر مبنای روش هم انباشتگی جوهانسون جوسیلیوس خواهد بود. در این رویکرد تعیین بردار هم انباشتگی از طریق حداکثر راستنمایی صورت می‌گیرد و اساس کار از یک مدل (VAR) به صورت زیر شروع می‌شود.

$$y_t = a_1 y_{t-1} + a_2 y_{t-2} + \dots + a_p y_{t-p} \quad (3)$$

که در آن بردار y شامل سه متغیر Growth، do و gg می‌باشد. براساس مدل فوق، مدل تصحیح خطای برداری^{۴۷} به صورت زیر تشکیل می‌شود.

$$y_t = \pi_1 \Delta y_{t-1} + \dots + \pi_{p-1} \Delta y_{t-p-1} + \pi_p \Delta y_{t-p} \quad (4)$$

در رویکرد جوهانسون جوسیلیوس، رتبه ماتریس π در معادله فوق، تعیین‌کننده تعداد روابط بلندمدت می‌باشد. در این روش از دو آماره حداکثر مقدار ویژه^{۴۸} و آزمون اثر^{۴۹} برای تعیین تعداد بردارهای هم انباشتگی استفاده می‌شود که در تحقیق حاضر به دلیل نتایج یکسان دو روش مذکور، به ارائه نتایج آزمون اثر اکتفا شده است. پس از تعیین تعداد روابط بلندمدت بین متغیرها، جهت علیت متغیر از طریق مدل‌های تصحیح خطاء به شرح زیر مشخص می‌شود.

$$\Delta \text{Growth}_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^p \alpha_{1i} \Delta \text{growth}_{t-i} + \sum_{i=1}^q \alpha_{2i} \Delta \text{do}_{t-i} + \sum_{i=1}^c \alpha_{3i} \Delta \text{gg}_{t-i} + \alpha_4 \text{ECT}_{t-1} + \mu_t \quad (5)$$

$$\Delta \text{do}_t = a_0 + \sum_{i=1}^f a_{1i} \Delta \text{do}_{t-i} + \sum_{i=1}^h a_{3i} \Delta \text{gg}_{t-i} + a_3 \text{ECT}_{t-1} + \mu_t \quad (6)$$

^{۴۷} Vector error Correction Model

^{۴۸} Maximum Eigen Value Test

^{۴۹} Trace Test

در روابط فوق ECT به عنوان وقفه پسماند مدل اصلی بوده و از تخمین الگوی (۲) حاصل می‌شود. معنی داری کل مدل و ضریب ECT به معنی وجود رابطه بلندمدت و علیت از سوی متغیر مستقل به سمت متغیر وابسته است. به عنوان مثال در صورتی که در رابطه (۵) ضریب ECT_{t-1} معنی دار باشد، نشان دهنده یک رابطه بلندمدت از سوی متغیرهای نهادی به سمت رشد اقتصادی است. همچنین معنی داری ضریب ECT_{t-1} در معادله (۶) به معنی رابطه بلندمدت از سوی شاخص حکمرانی به شاخص فضای کسب و کار است.^{۵۰}

۵- تحلیل و بررسی نتایج

قبل از برآورد هر مدلی لازم است مانایی متغیرها و هم انباشتگی مدل مورد آزمون قرار گیرد. متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه شامل شاخص حکمرانی خوب، شاخص کسب و کار و رشد اقتصادی می‌باشد. آزمون‌های مانایی داده‌های تابلویی معمولاً می‌تواند از دو روش آزمون ریشه واحد برای داده‌های مشترک^{۵۱} و آزمون ریشه واحد برای هر مقطع^{۵۲} صورت پذیرد. در این خصوص لوین، لین و چو^{۵۳} (۲۰۰۲) نشان دادند که در داده‌های تابلویی، استفاده از آزمون ریشه واحد برای داده‌های مشترک، دارای قدرت بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه می‌باشد. لذا در این مطالعه برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون لوین، لین و چو استفاده گردید. نتایج آزمون مانایی در جدول (۳) براساس آزمون لوین، لین و چو ارائه شده است. چنانچه از نتایج ملاحظه می‌شود همه متغیرها برای هر دو گروه از کشورها در سطح مانا می‌باشند.

^{۵۰} از آنجا که در بررسی روابط نهادی و رشد اقتصادی، روابط بلند مدت بیشتر مد نظر می‌باشد، لذا از بررسی و تحلیل ضریب بقیه متغیرهای مستقل مدل تصحیح خطا در این مطالعه صرف نظر شده است.

^{۵۱} Common Root

^{۵۲} Individual Root

^{۵۳} Levin, Lin & Cho

جدول ۳: نتایج آزمون ریشه واحد در سطح

Table 3: Unit Root Test Results

نام متغیر	کشورهای جنوب غرب آسیا			کشورهای OECD		
	آماره	prob	نتیجه	آماره	prob	نتیجه
Growth	-۱۵/۸	۰/۰۰	مانا	-۳۲	۰/۰۰	مانا
do	-۶/۶	۰/۰۰	مانا	-۹/۲	۰/۰۰	مانا
gg	-۶/۵	۰/۰۰	مانا	-۳۴	۰/۰۰	مانا

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات تحقیق

پس از انجام آزمون مانایی متغیرها، مدل معرفی شده در قسمت قبل برای کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا (حوزه مورد نظر سند چشم‌انداز) و OECD با رویکرد (GMM) برآورد شد که نتایج آن به شرح جدول (۴) می‌باشد. همانطور که آماره سارگان نشان می‌دهد متغیرهای ابزاری مورد استفاده در مدل از اعتبار لازم برخوردار بوده و براساس همبستگی سریالی مرتبه اول و دوم، خود همبستگی در مدل وجود ندارد.

لازم به ذکر است که با کاهش رقم شاخص فضای کسب و کار، محیط کسب و کار بهتر و با افزایش رقم شاخص حکمرانی خوب، وضعیت نهادی در سطح کلان بهبود می‌یابد. لذا براساس برآوردهای انجام شده در جدول (۴)، بهبود در هر دو سطح نهادی یعنی سطح نهادی سوم (فضای کسب و کار) و سطح نهادی دوم (حکمرانی خوب) تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی هر دو گروه از کشورها دارد.

جدول ۴: نتایج مدل برای کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و OECD

Table 4: South West Asian Region and OECD Model Results

نام متغیر مستقل	کشورهای OECD		کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا	
	ضرایب	آماره T	ضرایب	آماره T
(Growth (-1	۰/۰۳	۵/۴	۰/۰۷	۴/۳
GG	۰/۰۰۶۴	۱۷,۵	۰/۰۰۱۴	۴
DO	-۰/۰۰۰۴۶	-۹/۹	-۰/۰۰۰۱۳	-۲/۵
J-statistic	۳۳/۸		۱۹/۸	
(Prob (J-sta.	۰/۳۳		۰/۴۷	
(AR (1	-۱/۷۵		-۲/۱۴	
(AR (2	-۱		-۱/۳	

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات تحقیق

مقایسه ضرایب برآورد شده شاخص‌های نهادی برای هر دو گروه از کشورها در جدول (۴) حاکی از آن است که اثرگذاری شاخص نهادی کلان نسبت به شاخص نهادی خرد در کشورهای OECD بیش از کشورهای جنوب غرب آسیا است. همچنین در کشورهای جنوب غرب آسیا اصلاحات فضای کسب و کار در مقایسه با اصلاحات حکمرانی خوب از اثرگذاری نسبی بیشتری برخوردار است و به این ترتیب به نظر می‌رسد که در مقایسه با کشورهای OECD، اولویت اصلاحات نهادی در کشورهای جنوب غرب آسیا، اصلاحات فضای کسب و کار و در کشورهای OECD اصلاح در فضای کلان نهادی می‌باشد. اما این رویکرد برای پی بردن به اولویت اصلاحات نهادی و پاسخ به این سوال که چرا اثرگذاری نسبی شاخص کلان نهادی در کشورهای OECD بیشتر از کشورهای جنوب غرب آسیا است؟ منطقی نیست. چرا که براساس آنچه که در مبانی نظری بیان شد نهادهای خرد و کلان اثرات متقابلی بر هم دارند و لذا به منظور پی بردن به اولویت اصلاحات نهادی لازم است روابط متقابل و جهت‌علیت بین شاخص نهادی مورد بررسی قرار گیرد.

با عنایت به مراتب فوق این سوال مطرح می‌شود که آیا مطابق با نظر ویلیامسون، در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و OECD سطح نهادی سوم تحت تاثیر سطح نهادی دوم قرار دارد یا نه؟ برای پاسخ به این سوال از آزمون جوهانسون جوسیلیوس برای بررسی روابط بلندمدت بین متغیرها و همچنین مدل تصحیح خطا برای یافتن جهت‌علیت‌ها استفاده می‌شود. نتایج بررسی روابط بلندمدت بین متغیرها در جدول (۵) براساس آزمون همگرایی جوهانسون جوسیلیوس ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون همگرایی جوهانسون جوسیلیوس

Table 5: Johansson's co-integration Test Results

کشور	فرضیه صفر	فرضیه آلترناتیو	آماره	مقدار بحرانی (۰.۰۵)	مقدار بحرانی (۰.۱۰)	درصد احتمال
بررسی روابط رشد اقتصادی، فضای کسب و کار و حکمرانی خوب						
کشورهای جنوب غرب آسیا	$r=0$	$r=1$	۴۷/۳	۳۹/۸	۳۷/۱	۰.۰۰
	$r \leq 1$	$r=2$	۹/۹	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۲۹
	$r \leq 2$	$r=3$	۰/۴۵	۳/۸	۲/۷	۰/۵۰
کشورهای OECD	$r=0$	$r=1$	۷۶/۵	۳۹/۸	۳۷/۱	۰/۰۰
	$r \leq 1$	$r=2$	۱۹/۶	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۰۱
	$r \leq 2$	$r=3$	۰/۱۶	۳/۸	۲/۷	۰/۶۹
بررسی روابط حکمرانی خوب و شاخص سهولت فضای کسب و کار						
کشورهای جنوب غرب آسیا	$r=0$	$r=1$	۹/۵	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۳۲
	$r \leq 1$	$r=2$	۰/۲۳	۳/۸	۲/۷	۰/۶۳

کشورهای OECD	$r=0$ $r<=1$	$r=1$ $r=2$	۱۴/۶ ۰/۵۵	۱۵/۵ ۳/۸	۱۳/۴ ۲/۷	۰/۰۷ ۰/۴۶
بررسی روابط رشد اقتصادی و حکمرانی خوب						
کشورهای جنوب غرب آسیا	$r=0$ $r<=1$	$r=1$ $r=2$	۳۲/۴ ۰/۱۰	۱۵/۵ ۳/۸	۱۳/۴ ۲/۷	۰/۰۰ ۰/۷۵
کشورهای OECD	$r=0$ $r<=1$	$r=1$ $r=2$	۴۹/۴ ۰/۱۸	۱۵/۵ ۳/۸	۱۳/۴ ۲/۷	۰/۰۰ ۰/۶۸
بررسی روابط رشد اقتصادی و شاخص سهولت فضای کسب و کار						
کشورهای جنوب غرب آسیا	$r=0$ $r<=1$	$r=1$ $r=2$	۲۶/۲ ۰/۱۰	۱۵/۵ ۳/۸	۱۳/۴ ۲/۷	۰/۰۰ ۰/۷۵
کشورهای OECD	$r=0$ $r<=1$	$r=1$ $r=2$	۵۳ ۱۴/۵	۱۵/۵ ۳/۸	۱۳/۴ ۲/۷	۰/۰۰ ۰/۰۰

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات تحقیق

براساس نتایج جدول (۵) بین متغیرهای رشد اقتصادی، حکمرانی خوب و فضای کسب و کار در کشورهای جنوب غرب آسیا، یک رابطه بلندمدت و بین متغیرهای مذکور در کشورهای OECD دو رابطه بلندمدت مورد تایید قرار گرفته است. همچنین بین متغیرهای حکمرانی خوب و شاخص فضای کسب و کار در کشورهای جنوب غرب آسیا، رابطه بلندمدتی وجود ندارد، اما در کشورهای OECD یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای مذکور مورد تایید قرار گرفته است. علاوه بر این نتایج جدول (۵) حاکی از وجود یک رابطه بلندمدت بین متغیر حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها است در حالی که بین فضای کسب و کار و رشد اقتصادی برای کشورهای جنوب غرب آسیا و OECD به ترتیب یک و دو رابطه بلندمدت مورد تایید قرار گرفته است.

آزمون جوهانسون، روابط بلندمدت بین متغیرها را نشان می‌دهد، اما جهت علیت بین متغیرها را بیان نمی‌کند. به منظور تعیین جهت علیت متغیرها و همچنین تأیید نتایج آزمون جوهانسون از مدل تصحیح خطاء استفاده می‌شود که نتایج آن به شرح جدول (۶) می‌باشد. در این برآوردها برای تعیین وقفه بهینه از معیار شوارتز بیزین استفاده شده است.

در جدول (۶)، برای هر گروه از کشورها نتایج پنج تصریح از مدل تصحیح خطاء ارائه شده است که سه تصریح اول، جهت علیت سه متغیر رشد اقتصادی، شاخص حکمرانی و شاخص فضای کسب و کار را مشخص می‌کند و دو تصریح دیگر در جدول (۶) به بررسی اثرات متقابل دو متغیر نهادی می‌پردازد. معنی‌داری مدل (آماره F) و ضریب $ECM(-1)$ در سه تصریح اول، برای هر دو گروه از کشورها نشان می‌دهد که جهت علیت از سوی شاخص‌های نهادی به سمت رشد اقتصادی برقرار است.

همچنین مقایسه آماره f با جدول استاندارد توزیع f^* برای تصریح‌های چهارم و پنجم در کشورهای جنوب غرب آسیا نشان می‌دهد بین شاخص‌های نهادی در کشورهای جنوب غرب آسیا رابطه بلند مدتی وجود ندارد، اما در کشورهای OECD جهت علیت از سوی شاخص حکمرانی به شاخص فضای کسب و کار تأیید می‌شود که مطابق با نظریه ویلیامسون و شرلی است.

براساس توضیحات فوق در کشورهای OECD بین سه متغیر رشد، شاخص حکمرانی و فضای کسب و کار دو رابطه بلندمدت وجود دارد که یکی از آنها به تاثیر شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی دلالت دارد و دیگری بیانگر اثر گذاری شاخص نهادی کلان (حکمرانی خوب) بر شاخص نهادی خرد (فضای کسب و کار) است. همچنین در کشورهای جنوب غرب آسیا، بین سه متغیر رشد، شاخص حکمرانی و فضای کسب و کار یک رابطه بلندمدت وجود دارد که به اثرگذاری شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی دلالت دارد و حاکی از عدم وجود اثر تعاملی بین شاخص‌های نهادی خرد و کلان است.

ضریب جمله تصحیح خطاء برای تصریح اول (مطابق جدول (۶)) به ترتیب برای کشورهای جنوب غرب آسیا و OECD، -0.07 و -0.06 می‌باشد که نشان دهنده میزان تعدیل رشد اقتصادی در هر دوره جهت رسیدن به تعادل بلند مدت خود می‌باشد. به این ترتیب برای کشورهای جنوب غرب آسیا و OECD، تعدیل رشد اقتصادی جهت رسیدن به تعادل بلند مدت خود به ترتیب $1/7$ و $1/4$ دوره به طول می‌انجامد.

جدول ۶: نتایج حاصل از تخمین مدل‌های تصحیح خطاء

Table 6: Error correction Models Estimation Results

a-South West Asian Countries

الف- کشورهای جنوب غرب آسیا

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته				
	D (Growth)	D (gg)	D (do)	D (gg)	D (do)
ECM (-1)	-0.07 [-0.07]	0.18 [0.22]	-0.59 [-0.19]	-0.03 [-2]	-0.16 [-0.196]
D (Growth (-1))	0.08 [0.185]	-0.05 [-0.01]	0.04 [0.168]		
D (Growth (-2))	-0.04 [-0.05]	0.09 [0.156]	0.13 [0.165]		
D (gg (-1))	0.00 [0.105]	0.07 [0.157]	-0.155 [-0.11]	0.00 [0.03]	-0.12 [-0.14]
D (gg (-2))	0.00	0.05	0.47	0.03	0.17

$$(f), 100, 0.05 = 3.9^{54}$$

	[۲/۱]	[۰/۴]	[۱/۹۴]	[۱/۲۷]	[۱/۳۳]
D (do (-1))	۰/۰۰ [۱/۹۴]	-۰/۰۲ [-۱/۱۲]	-۰/۲۸ [-۳/۳]	۰/۰۱ [۱/۵۵]	-۰/۲۲ [-۲/۸]
D (do (-2))	۰/۰۰ [۱/۹۹]	۰/۰۱ [۳۶]	-۰/۰۶ [-۰/۸۶]	۰/۰۲ [۱/۳]	-۰/۰۳ [-۰/۳۶]
C	۰/۰۰ [-۰/۷]	۰/۱۹ [۱/۶۷]	۳/۱ [۲/۸]	-۰/۰۳ [-۰/۱۳]	۲/۳ [۲/۱]
R ²	۳۹%	۴%	۱۸%	۵%	۱۴%
Adj. R ²	۳۴%	۴%	۱۲%	۰%	۱۰%
F-statistic	۷/۸	۰/۴۷	۲/۷	۱/۰۳	۳/۶۵

b-OECD Countries

ب- کشورهای OECD

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته				
	D (Growth)	D (gg)	D (do)	D (gg)	D (do)
ECM (-1)	-۰/۵۷ [-۶/۳]	۳/۷۶ [۱/۶]	-۱۶/۹ [-۰/۴]	-۰/۰۱ [-۲/۱]	-۰/۰۸ [-۲/۹]
D (Growth (-1))	-۰/۰۸ [۱/۴]	-۲/۴ [-۰/۶۳]	۳۹/۴ [۱/۶]		
D (Growth (-2))	-۰/۰۹ [-۲/۱]	۲/۳۴ [۱/۷۷]	۳۹/۵ [۱/۹۵]		
D (gg (-1))	۰/۰۰ [۱/۱]	-۰/۱۲ [-۱/۱]	۰/۱۳ [۱/۸]	-۰/۰۸ [-۱/۱۴]	-۰/۳۵ [-۰/۸۳]
D (gg (-2))	۰/۰۰ [۱/۶]	-۰/۰۲ [-۰/۳۲]	۱/۰۳ [۱/۴۴]	۰/۰۳ [۰/۴۲]	۰/۱۷ [۱/۴۵]
D (do (-1))	۰/۰۰ [۲/۲]	۰/۰۰ [-۰/۳۹]	-۰/۳۹ [-۳/۵۷]	۰/۰۱ [۱/۰۵]	-۰/۲۶ [-۳/۲۴]
D (do (-2))	۰/۰۰ [-۰/۷۳]	-۰/۰۳ [-۱/۳]	۰/۰۰ [-۰/۰۳]	-۰/۰۱ [-۰/۵]	-۰/۲۴ [-۲/۶۵]
C	-۰/۰۰۴ [-۲/۲۴]	-۰/۰۰۱ [-۰/۰۰۵]	-۰/۸۷ [-۰/۹۶]	۰/۰۴ [۱/۴۳]	۰/۰۸ [۱/۵]
R ²	۴۶%	۹%	۱۹%	۴%	۱۷%
Adj. R ²	۴۲%	۲%	۱۳%	۱%	۱۴%
F-statistic	۱۱/۶۵	۱/۳۷	۳/۲۲	۱/۴۸	۶/۵۷

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات تحقیق

براساس نتایج جدول (۵) و (۶) روابط بلندمدت بین شاخص نهادی کلان (حکمرانی خوب) و خرد (شاخص کسب و کار) در کشورهای جنوب غرب آسیا معنی‌دار نمی‌باشد. این نتیجه با تئوری نهادگرایی سازگار نبوده و حاکی از آن است که نهادهای کلان از کارایی لازم برخوردار نیستند. براساس این نتایج و با عنایت به اینکه طی دوره مورد بررسی تقویت جایگاه شاخص حکمرانی خوب در کشورهای جنوب غرب آسیا مورد توجه قرار گرفته است، این سوال مطرح می‌شود که آیا با تقویت نهادهای کلان، سازگاری تئوری نهادگرایی و اثر پذیری نهادهای خرد از نهادهای کلان در کشورهای جنوب غرب آسیا امکان پذیر است. به منظور بررسی بیشتر در این خصوص

روابط بین مولفه‌های حکمرانی خوب و شاخص کسب و کار براساس آزمون جوهانسون و مدل‌های تصحیح خطاء برای کشورهای مذکور در جدول (۷) مورد بررسی قرار گرفت.

مطابق با ارقام جدول (۷)، رابطه بلند مدتی بین هیچکدام از مولفه‌های حکمرانی و شاخص کسب و کار وجود ندارد. این در حالی است که بررسی وجود روابط بلندمدت در مدل‌های تصحیح خطاء و براساس معنی داری کل مدل (آماره f) و همچنین معنی داری ضریب $ECM(-1)$ در جدول (۸) بین شاخص کسب و کار و هر کدام از مولفه‌ها حکمرانی خوب حاکی از وجود رابطه بلندمدت معنی‌دار بین مولفه کیفیت قوانین و مقررات و شاخص کسب و کار و البته وجود رابطه بلند مدت با سطح پایین معنی داری ضعیف بین مولفه ثبات سیاسی و شاخص کسب و کار می‌باشد که در هر دو مورد جهت علیت از سوی مولفه‌های حکمرانی به سمت شاخص کسب و کار می‌باشد. بررسی وجود رابطه بلند مدت بین سایر مولفه‌های حکمرانی خوب («انتقاد پذیری و پاسخگویی»، «حاکمیت قانون»، «کنترل فساد» و «کارآمدی دولت») و شاخص کسب و کار حاکی از عدم وجود رابطه بلند مدت بین مولفه‌های مذکور و شاخص کسب و کار است.

جدول ۷: نتایج آزمون همگرایی جوهانسون جوسیلیوس
Table 7: Johansson's co-integration test results

فرضیه صفر	فرضیه الترناتیو	اماره	مقدار بحرانی (۰.۵)	مقدار بحرانی (۰.۱۰)	درصد احتمال
بررسی روابط بلند مدت بین «کیفیت و چگونگی قوانین و مقررات» (reg) و «سهولت فضای کسب و کار» (do)					
$I=1$	$I=0$	۷/۸	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۴۸
$I=2$	$I \leq 1$	۰/۰۳	۳/۸۴	۲/۷	۰/۸۶
بررسی وجود روابط بلند مدت بین «حاکمیت قانون» (rul) و «سهولت فضای کسب و کار» (do)					
$I=1$	$I=0$	۶/۸۷	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۶۰
$I=2$	$I \leq 1$	۰/۱۵	۳/۸۴	۲/۷	۰/۷۰
بررسی وجود روابط بلند مدت بین «ثبات سیاسی» (pol) و «سهولت فضای کسب و کار» (do)					
$I=1$	$I=0$	۹/۲	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۳۵
$I=2$	$I \leq 1$	۱/۹	۳/۸۴	۲/۷	۰/۱۷
بررسی وجود روابط بلند مدت بین «کنترل فساد» (cor) و «سهولت فضای کسب و کار» (do)					
$I=1$	$I=0$	۶/۱	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۶۸
$I=2$	$I \leq 1$	۰/۵	۳/۸۴	۲/۷	۰/۴۸
بررسی وجود روابط بلند مدت بین «کارآمدی دولت» (gov) و «سهولت فضای کسب و کار» (do)					
$I=1$	$I=0$	۴/۳	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۸۷
$I=2$	$I \leq 1$	۰/۰۱	۳/۸۴	۲/۷	۰/۹۲
بررسی وجود روابط بلند مدت بین «انتقاد پذیری و پاسخگویی» (vio) و «سهولت فضای کسب و کار» (do)					
$I=1$	$I=0$	۱/۵	۱۵/۵	۱۳/۴	۰/۹۹
$I=2$	$I \leq 1$	۰/۰۱	۳/۸۴	۲/۷	۰/۹۶

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات تحقیق

براساس نتایج ارائه شده در جدول (۸) رابطه علی بلندمدت و کوتاه مدت از سوی شاخص «کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات» به سمت شاخص «سهولت کسب و کار»

برای کشورهای جنوب غرب آسیا معنی‌دار است. به عبارتی مولفه «کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات» که به بهبود و توانمندسازی بخش خصوصی در نتیجه اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات صحیح توسط دولت دلالت دارد، هم به صورت مستقیم و هم از طریق اصلاح در فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد. نتایج فوق نشان می‌دهد علیرغم اینکه رابطه بلندمدت بین بخش بزرگی از مولفه‌های حکمرانی خوب و شاخص کسب و کار معنی‌دار نمی‌باشد، اما گرایش به داشتن روابط بلندمدت بین برخی از نهادهای خرد و کلان در بین کشورهای مذکور وجود داشته و مهمتر اینکه جهت علیت رابطه مذکور مطابق تئوری نهادگرایی از طرف نهادهای کلان به سمت نهادهای خرد است و دلالت بر آن دارد که براساس تئوری نهادگرایی، در صورت تقویت نهادهای کلان، نهادهای مذکور قادر به الزام دولت برای انجام اصلاحات نهادی در سطح نهادی خرد به منظور بهبود بخشیدن به عملکرد اقتصادی می‌باشند.

جدول ۸: نتایج حاصل از تخمین مدل‌های تصحیح خطا برای مولفه‌های حکمرانی و شاخص کسب و کار در کشورهای جنوب غرب آسیا

Table 8: Error correction Models Estimation Results for Good Governance and doing bussines index in South West Asian countries

نام متغیر مستقل	متغیر وابسته			
	D (do)	D (reg)	D (do)	D (pol)
ECM (-1)	-/۱ [-۲/۱]	-/۰۲ [-۱/۶۸]	-/۰۲ [-۱/۷]	-/۰۱ [-۱/۸۸]
D (do (-1))	-/۱۸ [-۲/۲]	-/۰۱ [-۰/۷]	-/۲۱ [-۲/۶]	-/۰۲ [-/۶]
D (reg (-1))	-/۱۳ [-۳/۳]	۰/۰۶ [۰/۶۸]		
D (pol (-1))			-/۲۴ [-/۹۴]	۰/۰۴ [۰/۴۹]
c	۱ [۰/۹]	-/۱ [-/۴۳]	۰/۸۵ [۰/۷]	-۰/۳ [-/۷]
R ²	%۱۵	%۲	%۷	%۳
Adj. R ²	%۱۳	%۱	%۵	%۱
F-sta.	۸	۳	۳/۵	۱/۴

Continuation of Table 8

ادامه جدول ۸

نام متغیر مستقل	نام متغیر وابسته							
	D (do)	D (gov)	D (do)	D (rul)	D (do)	D (cor)	D (do)	D (vio)
ECM (-1)	-/۰۵ [-۱/۴]	-/۰۲ [-۱/۳]	-/۰۳ [-۱/۸۳]	-/۰۲ [-۲/۳]	-/۰۲ [-/۶۵]	-/۰۲ [-۲/۲۵]	-/۰۱ [-/۹]	-/۰۱ [-/۷]
D (do (-1))	-/۲	۰/۰۱	-/۲	-/۰۲	-/۲	-/۰۲	-/۲	۰/۰۱

	[-۲/۳]	[۰/۳]	[-۲/۳]	[-۱/۲]	[-۲/۳]	[-۱]	[-۲/۴]	[۰/۳]
D (gov (-1))	-۰/۳۳ [-۱/۲]	-۱/۵ [-۱/۵۴]						
D (rul (-1))			-۳۴ [-۱/۸]					
D (cor (-1))					-۱ [-۱/۴]	۰/۰۲ [۰/۲]		
D (vio (-1))							-۳۷ [-۱/۷۵]	-۰/۵ [-۱/۶۵]
C	۱ [۰/۸۷]	۰/۳۳ [۰/۸]	۱/۱ [۰/۹]	۰/۳۳ [۱/۲]	۱ [۰/۸]	-۰/۴ [-۱/۲]	۰/۹۷ [۰/۸]	-۰/۱ [-۱/۰۶]
R ²	٪۶	٪۳	٪۵	٪۴	٪۵	٪۵	٪۵	٪۱
Adj. R ²	٪۵	٪۱	٪۳	٪۲	٪۳	٪۳	٪۳	۰۰
F-sta.	۳/۳	۱/۴	۲/۵	۲	۲/۳	۲/۵	۲/۵	۰/۳۸

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات تحقیق

۶- جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی و تحلیل تئوریهای رشد، عوامل نهادی و اصلاحات آنها را برای بهبود عملکرد اقتصادی مورد تاکید قرار می‌دهد و همین امر تحلیل انواع نهادها و ارتباط بین آنها برای بهبود عملکرد اقتصاد را ضروری می‌نماید. بر این اساس و با عنایت به اهداف سند چشم انداز نظام جمهوری اسلامی ایران، تاثیر سطوح مختلف نهادی بر رشد اقتصادی و همچنین اثرات متقابل بین آنها در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا (که شامل کشورهای حوزه مورد نظر سند چشم‌انداز است) و گروهی از کشورهای توسعه یافته (کشورهای OECD) بر اساس چارچوب ارائه شده از سوی ویلیامسون مورد بررسی قرار گرفت. ویلیامسون معتقد است که عملکرد اقتصاد از دو سطح نهادی تاثیر می‌پذیرد. سطح اول شامل نهادهای کلان است که بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تاثیر گذاشته و خطر نقض قوانین را کاهش می‌دهند و سطح دوم شامل نهادهای خرد است که تحت تاثیر نهادهای کلان بوده و با کاهش هزینه‌های معاملات، فضای کسب و کار را تسهیل می‌کنند

با عنایت به ویژگی نهادها، برای ارزیابی نهادهای کلان و خرد در این مطالعه به ترتیب از شاخص حکمرانی خوب و شاخص سهولت فضای کسب و کار استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد مدل رشد نهادی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و OECD برای دوره (۲۰۱۴-۲۰۰۷) در قالب داده‌های پانلی پویا و رویکرد سیستمی GMM نشان داد که بهبود در هر دو سطح نهادی بر رشد اقتصادی هر دو گروه از کشورها تاثیر مثبت دارد، اما اثرگذاری نسبی شاخص کلان نهادی در کشورهای OECD بیشتر از کشورهای جنوب غرب آسیا است.

در ادامه به منظور پی بردن به اینکه چرا اثر گذاری نسبی شاخص کلان نهادی در کشورهای OECD بیشتر از کشورهای جنوب غرب آسیا است؟ و اولویت اصلاحات نهادی در کشورهای OECD و کشورهای جنوب غرب آسیا کدام است؟ اثرات متقابل نهادهای خرد و کلان مورد بررسی قرار گرفت. در این خصوص تحلیل روابط بلندمدت بین شاخص حکمرانی خوب و فضای کسب و کار و جهت علیت آنها براساس روش هم انباشتگی جوهانسون و مدل های تصحیح خطا، نشان داد بین اصلاحات نهادی سطح کلان و خرد در کشورهای جنوب غرب آسیا رابطه بلند مدتی وجود ندارد، در حالی که در کشورهای OECD رابطه بلندمدت بین اصلاحات نهادی کلان و خرد برقرار بوده و جهت علیت از سوی نهادهای کلان به نهادهای خرد می‌باشد. در واقع در کشورهای OECD، نهادهای کلان با ایجاد الزاماتی برای دولت و بازیگران اصلی، ضرورت اصلاحات در سطح نهادی خرد را بوجود می‌آورند، اما در کشورهای جنوب غرب آسیا فضای نهادی کلان چنین الزامی را برای اصلاح فضای نهادی خرد ایجاد نمی‌کند.

براساس نتایج فوق، نظریه ویلیامسون که به اثرگذاری سطوح نهادی کلان بر رشد اقتصادی از طریق ایجاد ضرورت در اصلاحات سطح نهادی خرد دلالت دارد، در کشورهای جنوب غرب آسیا صادق نبوده، اما برای کشورهای OECD برقرار است. در واقع اصلاحات نهادی در کشورهای OECD مطابق با تئوری از سطح کلان شروع می‌شود و نهادهای سطح خرد تحت تاثیر فضای کلان نهادی و سازگار با آن بر عملکرد اقتصاد تاثیر می‌گذارند. به این ترتیب در کشورهای مذکور اصلاحات نهادی سطح کلان علاوه بر اثرگذاری مستقیم، از طریق اصلاحات سطح نهادی خرد نیز بر رشد اقتصادی موثر هستند و به همین دلیل اثرگذاری نسبی سطح نهادی کلان کشورهای مذکور بر رشد اقتصادی در مقایسه با کشورهای جنوب غرب آسیا بیشتر است.

براساس تحلیل فوق در کشورهای OECD، بهبود شاخص حکمرانی خوب که به معنی کاهش فساد، شفافیت و پاسخگو بودن دولت، ثبات سیاسی و ارتقاء کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون است، علاوه بر اینکه موجب تخصیص بهینه منابع شده و موجبات رشد را فراهم می‌نماید، بلکه با ملزم نمودن دولت به بهبود فضای کسب و کار نیز بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت دارد که مطابق با نتایج مطالعات انجام شده توسط کول و فولتن (۲۰۱۳) و بوتا آورام (۲۰۱۴) می‌باشد. این در حالی است که در کشورهای جنوب غرب آسیا نهادها چارچوب و مقرراتی که دولت و بازیگران اصلی اقتصاد را مقید به پاسخگو بودن، کاهش فساد، ایجاد ثبات اقتصادی و همچنین

صیانت از حقوق مالکیت افراد نماید، از کارایی لازم برخوردار نیست و لذا دولت ها و سایر بازیگران اصلی بدون اینکه چارچوب و مقرراتی بر آنها حاکم باشد، به صورت سلیقه‌ای نهادهای خرد را دستخوش تغییرات می‌نمایند، براین اساس در کشورهای جنوب غرب آسیا، بخش مهمی از اثرگذاری اصلاحات نهادی کلان که از طریق اصلاحات نهادی خرد بر عملکرد اقتصاد صورت می‌گیرد، رخ نمی‌دهد. این در حالی است که اطلاعات مربوط به شاخص‌ها برای دوره مورد بررسی نشان می‌دهد که جایگاه شاخص حکمرانی خوب در کشورهای جنوب غرب آسیا تقویت شده است. لذا این سوال مطرح می‌شود که آیا در صورت تقویت نهادهای کلان در کشورهای جنوب غرب آسیا، رابطه علیت از سوی نهادهای کلان به نهادهای خرد براساس تئوری نهادگرایی برقرار خواهد بود یا نه؟ بدین منظور رابطه بین اجزا و مولفه‌های شاخص حکمرانی و شاخص کسب و کار برای کشورهای جنوب غرب آسیا مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی نشان داد که تمایل به داشتن رابطه بلندمدت در برخی از مولفه‌ها از جمله مولفه «کیفیت قوانین و مقررات» و شاخص کسب و کار در کشورهای مذکور برای دوره مورد بررسی وجود دارد و لذا در صورت تقویت کارایی نهادهای کلان، تئوری مکتب نهادگرایی در کشورهای جنوب غرب آسیا نیز صادق خواهد بود و براین اساس بهبود عملکرد اقتصاد مستلزم تقویت کارایی نهادهای کلان در کشورهای جنوب غرب آسیا از جمله ایران به منظور مقید نمودن دولت و سایر بازیگران اصلی اقتصاد است.

براساس نتایج فوق، حصول به عملکرد مناسب اقتصادی در کشورهای جنوب غرب آسیا، مستلزم توجه و تاکید بر اصولی است که قادر به نظارت و مقید نمودن دولت و بازیگران اصلی اقتصاد نسب به وظایف خود باشند که این مهم می‌تواند از طرق مختلف از جمله تقویت جایگاه قوانین پایه و اساسی کشور، سازمان‌های نظارت کننده بر دولت و تقویت مشارکت مردمی و بخش خصوصی در تدوین و اجرای قوانین و مقررات میسر گردد.

با عنایت به مراتب فوق، بهبود عملکرد اقتصادی و تحقق اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی در بین کشورهای جنوب غرب آسیا، مستلزم تقویت کارکرد نهادها و قواعدی است که قادر به مقید نمودن دولت و بازیگران اصلی اقتصاد کشور می‌باشند. این نتایج یک معیار تحلیلی را برای تبیین برنامه و سیاست‌های کلی که طی دهه اخیر در ایران تدوین شده است، ارائه می‌نماید که از آن جمله می‌توان به سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و اقتصاد مقاومتی اشاره نمود. براساس نتایج این مطالعه لازم

است تمرکز سیاست‌های کلی بر تصحیح عملکرد دولت و نظارت بر آن باشد که از آن جمله می‌توان به تقویت مشارکت مردمی در برنامه‌های دولت اشاره نمود. همچنین نظارت بر کاهش فساد، ایجاد ثبات، افزایش شفافیت در برنامه‌ها و عملکرد دولت و تدوین قوانین موثر و مفید از مواردی است که جایگاه توجه و تاکید بر آنها در سیاست‌های کلی است. در واقع سیاست‌های کلی از مصادیق نهادهای کلان کشور بوده و تدوین و اجرای صحیح آنها می‌تواند با بهبود عملکرد دولت و ارتقاء کارآمدی آن بر نهادهای خرد و فضای کسب و کار موثر واقع شده و عملکرد اقتصاد را به طور اساسی بهبود بخشد.

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.

Acknowledgments

Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافی وجود ندارد.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.

Reference

- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. (2001). The Colonial Origins of Comparative Development: an Empirical Investigation. *American Economic Review*, 91 (5), 1369 – 1401.
- Albassam, B.A. (2013). The Relationship Between Governance and Economic Growth during Times of Crisis. *European Journal of Sustainable Development*, 2 (4), 1-18.
- Assane D., & Grammy, A. (2003). Institutional Framework and Economic Development: International Evidence. *Appl Econ*, 35, 1811–1817.
- Bota-Avram, C. (2014). Good Governance & Doing Business: Evidence From Cross Country Survey. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 41, 27-45.
- Babaki, R., & Salimifar, M. (2014). The Role of Business Environment and Economic Freedom on Economic Growth in Selected Countries by Using Panel Data during 2004-2013. *Journal of Economy and Regional Development*, 21 (8), 121-152 (in persian).
- Baseri, B., & Shahhoseini, M. (2010). The study of business environment on economic growth (Middle East selected countries). *Quarterly Journal of Financial Economics*, 10, 71-95 (in persian).
- Bakhtiari, S., & SHayesteh, A. (2012). The Effect of Improving The Business Enviroment on Economic Growth in Selected Countries with Emphasis on Iran. *Quarterly Journal of Financial Economics*, 6 (19), 175-204 (in persian).
- Cule, M., & Fulton, M.E. (2013). Corporate Governance and Subjective Well-Being. *Applied Economics Letters*, 20 (4), 364-367.
- Djankov, S., Mcliesh, C., & Ramalho, M. (2006). Regulation and Growth. *Economics Letters*, 92, 395–401.
- Damankeshide, M., & Khodabakhshzadeh, S. (2012). The Impact of Business Regulations and Foreign Direct Investment (FDI) on Economic Growth. *Quarterly Journal of Financial Economics*, 6 (21), 81-109 (in persian).
- Easterly, W., & Levine, R. (2003). Tropics, Germs, and Crops: How Endowments Influence Economic Development. *Journal of Monetary Economics*, 50 (1), 3–39.
- Friedman, E., Johnson, S., Kaufmann, D., & Zoido-Lobaton, P. (2000). Dodging the Grabbing Hand: The Determinants of Unofficial Activity in 69 Countries. *Journal of Public Economics*, 76 (3), 459-493.

- Fatehi dabanloo, M.H., Hojabrkiani,K., Memarnejad,A., & Mehrara, M. (2017) . Institutions and development in the Middle East Countries. *Quarterly Journal of Economical Modeling*, 11 (39), 99-118 (in persian).
- Haidar, J. (2012). The Impact of Business Regulatory Reforms on Economic Growth. *J. Japanese Int. Economies*, 26, 285-307.
- Hall, R., & Jones, C. (1999). Why Do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker Than Others? *Quarterly Journal of Economics*, 114 (1), 83-116.
- Helliwell, J., & Huang, H. (2008) .How's Your Government? International Evidence Linking Good Government and Well-Being. *British Journal of Political Science*, 38 (4), 595-619.
- Johnson, S., Kaufmann, D., & Zoido-Lobaton P. (1998). Regulatory Discretion and the Unofficial Economy. *American Economic Review*, 88 (2), 387-392.
- Kauffman D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2013). Governance Matters IV: Overnance -Indicators for 1996-2009. *World Bank Policy Research*
- Knack, S., & Philip, K. (1995). Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures. *Economics and Politics*, 7 (3), 207-27.
- komijani, A., & Salatin,P. (2009) . Effects of Good Governance on Economic Growth in the Selected Countries of OPEC and OECD. *Quarterly Journal of Economical Modeling*, 2 (6), 1-24 (in persian).
- komijani, A., & Salatin, P. (2011) .The Study of The Effect Quality of Governance on the Economic Growth Iran and Neighbor Countries (Turkish and Pakistan) . *Journal of Industrial Statagic Management*, 7 (20), 27-41 (in persian).
- Mauro, P. (1995) .Corruption and Growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110 (3), 681-712.
- May, J.W., Pyle, W., & Sommers, P.M. (2002). Does Governance Explain Unofficial Activity? *Applied Economics Letters*, 9 (8), 537-539.
- Makiyan, S.N., Emami Meybodi, M., Eshraty, S., & Ahmadi, Z. (2013) .Doing Business for Growth; a Comparative Study between the Islamic Countries in MENA and the Countries of OECD. *Economic Growth and development Research*, 3 (11), 75-84 (in persian) .
- Mirshojaeian, H., & Rahbar, F. (2012). Causal Relationships between Good Governance Elements in the Countries at the Risk of Natural

- Resource Curse. *Economic Studies and Ploitics*, 7 (2), 67-86 (in persian).
- Mobarak, A., & Azarpeyvand, Z. (2012). Good governance indices overview from Islamic point of view and its effect on economic growth. *Islamic Economy*, 9 (36), 179-208 (in Persian).
 - North, D.C. (1990). Institutions, Institutional Change and Economic Performance. *Cambridge University Press*, Cambridge.
 - Nadiri, M., & mohammadi, T. (2012). Estimating an Institutional Structure in Economic Growth Using GMM Dynamic Panel Data Method. *Quarterly Journal of Economical Modeling*, 5 (15), 1-24 (in persian).
 - Price, R., Roman, F.J., & Rountree, B. (2011). The Impact of Governance Reform on Performance and Transparency. *Journal of Financial Economics*, 99 (1), 76-96.
 - Rodrik, D. (2005). Growth Strategies. *Handbook of Economic Growth*, 1 (1), 967-1014.
 - Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2004). Institutions Rule: The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development. *Journal of Economic Growth*, 9,131-165.
 - Shahabadi, A., & Salimi, S. (2015). Impact of Good Governance on R&D Intensity of Selected Developed and Developing Countries. *Journal of Science & Technology Policy*, 7 (2), 35-46 (in Persian).
 - Shirley, M. M. (2008). Institutions and Development. Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar Publishing Limited.
 - Singh, G. (2015). Relationship between Doing Business Index and Foreign Direct Investment. Conference Paper, International Conference on Ease of Doing Business: Contemporary Issues. Challenges and Future Scope, 13-21.
 - Snowdon, B., & Vane, H. R. (2005) .Modern Macroeconomics: Its Origins, Development and Current State, Cheltenham: Edward Elgar.
 - Tanzi, V., & Davoodi H. (1997). Corruption, Public Investment and Growth, IMF Working Paper No.WP/97/139, available at <http://www.imf.org/external/pubs/ft>.
 - Teodorica, G. (2015). Effect of Ease of Doing Business to Economic Growth among Selected Countries in Asia and Asia Pacific. *Journal of Multidisciplinary Research*, 3(5), 139-145.
 - Victor, P., & Vladimir, P. (2006) .Democratization, Quality of Institutions and Economic Growth, Working paper.

- Wei, S. J. (1997). How Taxing is Corruption on International Investors? NBER Working Paper, available at <http://www.nber.org/papers/w6030>.
- Williamson, O. E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *The Journal of Economic Literature*, 38 (3), 595-613.
- World Bank. (2016). Doing Business Dataset and Report, Available at: <http://www.doingbusiness.org>



© 2020 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).